یک روایت با دو محتوا از زهری

روایت چهارم و پنجم؛

> وباسناده عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد، عن أبيه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن علي بن محمد القاساني، عن القاسم بن محمد كاسوله، عن سليمان ابن داود الشاذكوني، عن عبد الرزاق، عن معمر، عن محمد بن شهاب الزهري قال: سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول: يوم الشك أمرنا بصيامه و نهينا عنه أمرنا أن يصومه الإنسان على أنه من شعبان و نهينا عن أن يصومه على أنه من شهر رمضان و هو لم ير الهلال[1]
>
> و عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن القاسم بن محمد الجوهري عن سليمان بن داود عن سفيان بن عيينة عن الزهري عن علي بن الحسين ع في حديث طويل قال: و صوم يوم الشك أمرنا به و نهينا عنه أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان- و نهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس فقلت له جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع قال ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان- فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه و إن كان من شعبان لم يضره فقلت و كيف يجزي صوم تطوع عن فريضة فقال لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا و هو لا يعلم أنه من شهر رمضان- ثم علم بذلك لأجزأ عنه لأن الفرض إنما وقع على اليوم بعينه[2]

روایت چهارم همان روایت محمد بن مسلم شهاب زهری است که در باب قبلی به‌عنوان روایت هشتم خواندیم. تفاوت در سند در این دو قسمت این است که در آن جا سفیان بن عیینه از ابن شهاب نقل می‌کرد اما در این روایت چهارم معمر بن راشد از محمد بن مسلم بن شهاب نقل می‌کند. یعنی راوی از زهری دو نفر هستند. در آن سند علی بن ابراهیم ابتدای سند بودند که از قاسم بن محمد جوهری نقل می‌کردند که بحث شد فقط مرحوم اردبیلی احتمال می‌دادند با قاسم بن محمد کاسوله یکی باشند. سلیمان بن داود منقری در اینجا مشترک هستند که در اینجا تعبیری به شاذکونی کرده بودند و اما در آنجا همان منقری بود. عبد الرزاق صنعانی هم که معروف است. صاحب مصنفاتی است که از مولفین معروف است. تعبیر می‌کنند به «شیعی». اهلسنت او را به‌طور قطع قبول دارند. اما می‌دانند و به‌طور قطع تعبیر می‌کنند به «شیعی». این هم مکرر عرض شده که تعبیر شیعی نزد آنها با این معنایی که ما می‌گیریم خیلی متفاوت است. نباید بین آنها اشتباه شود.

آنها که می‌گویند شیعی است، یعنی فیه هوی علیّ. و الا شیعه‌های که ما الآن می‌گوییم آنها در کلاس می‌گویند رافضی. وقتی آنها می‌گویند به‌صورت شیعه متداول ما بگویند می‌گویند رافضی. در کتاب‌هایشان هست. کتاب‌های امروزی را عرض نمی‌کنم، در کتاب‌هایی که کلاسیک است و نوشته شده است. منظور این‌که می‌گویند «شیعی جلد». یعنی در این جهت خیلی قوی است.

> 7:16

«عن مَعمر»؛ به این صورت ضبط کرده‌اند. ما داشتیم «مُعَمّر بن خلاد»، آن جا عرض کردم آیا «مَعمر» اسم می‌گذاشتند یا نه دو تا آنها را؟ این هم از سؤالاتی است که باید یادداشت کنیم و دنبالش باشیم. این سند این روایت بود. ملاحظه کردید که مرحوم شیخ از پسر ابن ولید، احمد بن محمد، نقل می‌کنند. از خود ابن ولید، از جناب صفار، از علی بن محمد قاسانی. فقط نکته‌ای که محتوای حدیث چهارم دارد و نکته مهمی هم هست، این است که شهاب زهری که نقل کرده ظاهرش با روایت کافی که خود مرحوم شیخ هم در تهذیب آوردند، به نقل ابن عیینه است و این نقل مَعمر است، ظاهرش یک حدیث است. ولی محتوا از حیث تبدیل لفظ یکی نیست. خب کدام یک از آنها نقل به معنا کرده‌اند؟ این‌که مَعمر نقل به معنا کرده باشد، احتمالش قوی است. الآن ببینید در این روایت چهارم ابن شهاب می‌گوید:

«سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول: يوم الشك أمرنا بصيامه و نهينا عنه أمرنا أن يصومه الإنسان على أنه من شعبان و نهينا عن أن يصومه على أنه من شهر رمضان و هو لم ير الهلال»، و حال این‌که در روایت سفیان این نبود. «امرنا بصیامه و نهینا عنه، امرنا به ان نصومه مع صیام شعبان» و لذا بعد زهری گفت اگر قبلاً در ماه شعبان روزه نگرفته، چه می‌شود؟ لذا این‌ها تفاوت می‌کنند. اصلاً دو محتوا می‌شود. اول امام فرمودند «امرنا ان نصومه مع صیام شعبان و نهینا عنه ان ینفرد الرجل بصیامه فی الیوم الذی یشک فیه الناس». اما این‌جا می‌فرمایند «أمرنا بصيامه و نهينا عنه أمرنا أن يصومه الإنسان على أنه من شعبان»؛ مفادی اعم از صیام شعبان شده است. البته دنبالش با سؤال و جوابش از حیث محتوا، خلاصه رفت و برگشت زهری است، با سؤالی که محضر امام کرد، در روایت ابن عیینه. دوم هم می‌فرمایند: «و نهينا عن أن يصومه على أنه من شهر رمضان و هو لم ير الهلال»، که این هم محتوای «ینفرد الانسان بصیامه» می‌شود. او تعبیر کرده به «نهینا ان یصومه علی انه من شهر رمضان»، آیا معادل هم هستند یا نیست؟ می‌تواند معادل نباشد. البته می‌تواند نزدیک هم باشد اما آن جا «ینفرد الرجل ان یصوم علی انه من شعبان». عبارت آنطور که می‌رساند دو فضا است. یکی فضای انفراد انسان به صیام که دیدگاه روایت، به دیدگاه مسأله اجتماعی است. نظم متشرعه در روزه گرفتن است. دلالتش روشن است. اما در روایت معمر می‌گوید «ان یصومه علی انه من شهر رمضان و هو لم یر الهلال»، کسی که این عبارت را می‌شنود اصلاً ذهنش سراغ نظم روزه‌داران ماه مبارک نمی‌رود. ذهنش سراغ نیت می‌رود. یعنی این عبارت ذهن ناظر خودش را تنها به یک کار فردی می‌برد، آن هم در محدوده نحوه نیت کردن. خب این با قبلی خیلی تفاوت می‌کند. «امرنا ان یصومه علی انه من شعبان»، یعنی نیتش، «و نهینا ان یصومه علی انه من شهر رمضان». پس مطلبی فردی است که آن هم مربوط به نیتش است. همانی که مشهور گفته‌اند. اما در روایت ابن عیینه خیلی تفاوت کرد. «امرنا ان نصوم مع صیام شعبان و نهینا ان ینفرد الرجل بصیامه». «ینفرد» در روایت سماعه هم بود. حضرت فرمودند «لایصومه من شهر رمضان لانه قد نهی ان ینفرد الانسان بصیام یوم الشک».

شاگرد: فقره اولش هم تفاوت می‌کند یا نه؟

استاد: اگر سیاق را سیاق مطلب اجتماعی گرفتید تفاوت می‌کند. در روایت ابن عیینه حضرت چه می‌خواهند بفرمایند؟ جامعه مسلمانان یوم الشک را روزه بگیرند اما به‌عنوان ادامه ماه شعبان.

باز به امر اجتماعی و نظم اجتماعی صائمین دارد، در اینکه یصوموون علی انه من شعبان. نظر ندارد بر اینکه بگوید تو چطور نیت میکنی. نیت کردن تو به‌عنوان امری فردی، آن هم در محدوده تصحیح نیت که چطور عبادتت را به جا بیاوری، کاملاً متفاوت است، از اینکه القاء کلام بر این باشد که نظم صائمین در جامعه برقرار باشد؛ یصوموا مع صیام شعبان، آن هم ینفرد الرجل بصیامه.

شاگرد: ادامه روایت قبلی هم اشاره به نیت دارد.

> 13:50

استاد: آن برای وقتی است که اشکال میکند. عبارتی که حضرت انفراد را آورده‌اند و قبلش «علی من شعبان» را گفته اند، در اول کلام آیا نظر حضرت به مسأله نیت بود؟ و برای او مشکل ایجاد شد؟ ببینید: «فقلت له جعلت فداک ان لم یکن صام من شعبان»، که شما فرمودید «مع صیام شعبان» روزه بگیرد، خب او که اصلاً روزه نگرفته است؟ حالا چه کار کند؟ اینجا بود که حضرت استصحاب نیت شعبان را به او یاد دادند. یعنی او در ادامه این است که گفت روزه شعبان را نگرفته است. غیر از قسمت اول روایت است که امام علیه‌السلام دو شق کردند. «امرنا و نهینا». امرنا ان نصوم مع صیام شعبان؛ یعنی در آن جا امر شدیم که نیتش را به این صورت قرار بدهیم؟ یا امر شدیم که نظم داشته باشیم؟ روزه گرفتن در ماه شعبان مسلمین جدا باشد، با همان سیاق شعبان. شهر مبارک هم نهینا ان ینفرد. نهی شدیم که یکی در این وسط بیاید و بگوید من دارم ماه مبارک را روزه میگیرم. به گمانم شروع کلام در آن مقصود اصلی این باشد. علی ای حال، من از اولی که این دو روایت را میدیدم برای من خیلی صاف نمیشد که این دو عبارت بخواهد، یک مفاد را سر برساند. حالا اینکه عبارت در روایت معمر از کجا تغییر داده شده، و چه کسی نقل به معنا کرده است، نمیدانم.

شاگرد: به ذهن شما دو روایت نیست؟

استاد: احتمالش صفر نیست اما بعید است. روی حساب اینکه میگوید به مسجد رفتیم و سمعت و... . هنوز مقدماتش را نیاورده است. آن را خلاصه کرده است.

شاگرد: در تهذیب هم همین را نقل میکند.

استاد: بله، اصلاً بقیه آن از معمر نیست. عبد الرزاق همین اندازه از آن را آورده است. این مهم است. یعنی فقط این قسمت را عبد الرزاق آورده است. به خلاف آن سند که سلیمان بن داوود از هر دو روایت میکند. اینجا سلیمان بن داود از عبد الرزاق همین را آورده است، آن جا سلیمان بن داود از سفیان بن عیینه مفصلتر آورده است. عبد الرزاق بعد از ابن عیینه وفات کرده است. ابن عیینه متوفی 198 است و عبد الرزاق دویست و هفت یا هشت است.

شاگرد: در ذهن شما چه چیزی دو روایت بودن آنها را ضعیف میکند؟ با توجه به اینکه سلیمان بن داود از دو نفر نقل میکند.

استاد: ببینید در روایت بعدی که «یعنی» نیامده، میگوییم ذهنیتی است که در فهم اصحاب امامیه از احادیث بوده است. «یعنی» این را بیان میکند. بنابر اینکه از هشام باشد، یا از ابن ابی عمیر باشد. لذا در سندی که الآن هست، ما میبینیم در قبلی به این صورت است: علی بن ابراهیم عن ابیه عن قاسم بن محمد. در اینجا جناب صفار از علی بن محمد قاسانی عن سلیمان نقل میکند. آیا نقل به معنا کننده در حدیث معمر ممکن است از فهمی که اصحاب از جمع احادیث داشته‌اند، نقل به معنا کرده باشد؟ و عبارتی هم که سفیان بن عیینه از زهری نقل کرده، آنها

تلقی همان روایت هشام را کرده‌اند؟ یعنی «یعنی علی انه من شهر رمضان». یعنی نقل به معانی شده مناسب با تلقی و جمعی که اصحاب داشته‌اند.

شاگرد: «ینفرد الرجل بصیامه» احتمال دیگری هم دارد؛ اینکه «ینفرد من صیام شعبان»، در مقابل اینکه قبلش گفتند «مع صیام الشعبان».

استاد: «نه‌ینا ان ینفرد الرجل بصیام شعبان».

شاگرد: بصیامه من صیام شعبان. یعنی این یک روزه را از روزه شعبان جدا کند.

استاد: کلمه ناس در «فی الیوم الذی یشک فیه الناس»، آن را دور می‌برد. در روزی که مردم شک می‌کنند، ینفرد بصیامه. انفرد بصیامه یعنی صیام برای آن است. «ه» به رجل برمی‌گردد. روی حساب الناس.

شاگرد: به یوم برگردد.

استاد: ان ینفرد الرجل بصیامه؛ به صیام خود مرد یا به صیام آن یوم الشک؟ یوم الشک که خوب است. شما «بصیام شعبان» فرمودید.

شاگرد: ینفرد بصیام یوم الشک، از صیام شعبان. یعنی این صیام یوم الشک را از صیام شعبان جدا کند. به‌عنوان روز جدایی روزه بگیرد. یا فقط همان روز را روزه بگیرد.

استاد: اول خیال کردم که می‌خواهید بگویید روزه نگرفته. اما می‌خواهید بگویید به یوم الشک برچسبی غیر از برچسب ماه شعبان بزنید. امرنا ان نصوم مع صیام شعبان و نه‌ینا ان ینفرد الرجل بصیام یوم الشک، انفرادش از ماه شعبان.

شاگرد۲: ادامه آن را در فی الیوم، چطور معنا می‌کنند که تکرار نشود؟

استاد: ان ینفرد الرجل بصیام یوم الشک...، محتملاتی که عرض می‌کردم، به گمانم ابتدا صیامه را به شعبان زدند.

شاگرد: فرمایش ایشان را بگویید.

استاد: اول به این صورت گمان کردم که می‌گویند «ان ینفرد بصیام شعبان». لذا سؤال کردم که جلو رفت. بعد آن‌ًمعلوم شد که ایشان می‌خواهند بگویند «نه‌ینا ان ینفرد الرجل بصیام یوم الشک»، انفرادش از ماه شعبان باشد، نه اینکه انفراد رجل از ناس باشد. اینکه تنهایی روزه بگیرد منظور نیست.

> 21:37

شاگرد: انفراد یوم الشک به چه معنا است؟

استاد: یعنی به یوم الشک برچسبی بزند و بگوید امروز را روزه می‌گیرم، چه روزی است؟ نه شعبان است و نه رمضان. می‌گویید یوم الشک است، می‌گویید به چه نیتی روزه می‌گیری؟ می‌گوید ان ینفرد بصیامه از اینکه آن را به نیت شعبان بگیرد.

شاگرد: بدل باشد از «من شعبان».

استاد: «من شعبان» ندارد. ایشان نقل کردهاند که در کلمات علماء به این صورت دیدهاند.

شاگرد۲: سؤالی که بعداً از امام میپرسد فرمایش امام را توضیح نمیدهد؟

استاد: در روایت سماعه اصلاً «صایمه» نبود؛ «الصایم» بود. «نهی ان ینفرد الانسان بالصایم»، آن جا نمیشود بگویند «بصایم شعبان». دو روایت است که لسان هر دو یکی است. ینفرد بالصایم.

شاگرد: در همین روایت هم خیلی خلاف ظاهر است. باید اضافه کنید تا این معنا فهمیده شود. ان ینفرد الرجل بصایمه، یعنی نه نیت شعبان بکند، نه نیت رمضان بکند.

استاد: ان ینفرد بصایم یوم الشک. یفرّد بصایم یوم الشک باید باشد. نه ینفرد.

شاگرد: حتی اگر «یفرّد» هم باشد، باز توضیحاتی میخواهد.

استاد: «بصایمه» اگر به رجل بخورد، صاف است. اگر به یوم الشک هم بخورد، ینفرد الرجل بصایم یوم الشک... .

علی ای حال مفادی که در اینجا هست، با همه حرفهایی که دارد، نسبت به آن چیزی که ما شروع کردیم و تا اینجا آمدیم، تقریباً مفاد این روایت خیلی مفاد روشنی است، حال در روایت بعدی عرض میکنم.

---

[1] همان

[2] وسائل الشيعة، ج۱۰، ص: ۲۲

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 14:45:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 14:49:34 توسط ... .